

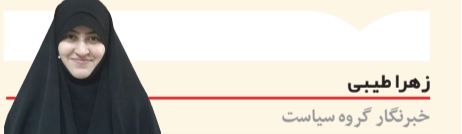
**گروه سیاست**

دامن زدن به التهابات داخلی ایران و استفاده از این اهرم برای امتیازگیری در مذاکرات هدفی بود که طرف غربی از شهریور سال گذشته به‌دنبال آن بود. با شکست این سناریو اما طرف غربی ناچار شده دست از پا دراز تر به میز دیپلماسی بازگردد و تلاشش برای حصول یک توافق را از سر بگیرد. برای رسیدن به نقطه کنونی تعامل با غرب اما ایران صرفا تمرکزش را به اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ اختصاص نداد و درطول سال گذشته تلاش کرد سبد دیپلماسی خود را تنوع ببخشد. رسیدن به توافقی برای ازسرگیری روابط با عربستان را می‌توان نقطه اوج موفقیت‌های تهران در عرصه سیاست خارجی دانست. در همین راستا قرار است فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان به ایران سفر کند تا بعد از هفت‌سال قطع ارتباط بین دو کشور سفارتخانه عربستان در تهران رسما بازگشایی شود، پیش از این نیز سفارت ایران در ریاض بازگشایی شده بود. درکنار گسترش روابط با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تهران سیاست‌های سازنده دیگری را در عرصه سیاست خارجی به کار گرفته است که ازجمله آن می‌توان به توسعه روابط با کشورهای شرقی و نیز با کشورهای آمریکای لاتین اشاره کرد.
روابطی که دستاوردهای مهمی تاکنون در زمینه‌های کریدوری، بانکی، انرژی و فناوری دربی داشته است. به بهانه پایان مسفر رئیس‌جمهور به آمریکای لاتین و سفر وزیرخارجه عربستان به ایران مروری داشته‌ایم بر دستاوردهای مهم ایران در عرصه سیاست خارجی که باعث شده هم از بار تمرکز بر مذاکرات هسته‌ای کاسته‌وا فاق‌های جدیدی پیش‌روی کشور گشوده شود و هم سبب شده کشورهای غربی جایگاه خود را در سیاست خارجی ایران از دست رفته ببینند و برای احیای آن تلاش کنند؛ تلاشی که منجر به عقبگرد آن از تخاصم حداکثری به میز مذاکره شده است.
ثمربخش بودن مسیر فعلی در مقابل غربی‌هاشان می‌دهد ایران اگر به‌دنبال این است که میز مذاکرات را با دست پر ترک کند، گریزی ندارد جز آنکه سایر ظرفیت‌ها در سیاست خارجی را به کار گیرد و روند مطلوب خود را تداوم بخشد. این نکته روز گذشته در صحبت‌هایی که سیدابراهیم رئیسی پس از بازگشت به ایران ایراد کرد نیز مورد اشاره قرار گرفته است، مطابق آنچه رئیس‌جمهور در فرودگاه مهرآباد گفته است: «هرکسی در هرجای دنیا خواهد با جمهوری اسلامی ارتباط خوب و سازنده و با توجه به منافع دو کشور داشته باشد، ما ارتباط خوبی با آن برقرار می‌کنیم.»
به بهانه بازگشت وی از هاوانا و مسفر وزیر خارجه عربستان به تهران مروری داشته‌ایم بر مهم‌ترین اقداماتی که ایران در یک سال گذشته در عرصه دیپلماسی انجام داده تا درنتیجه آن آن بتواند اقتصاد کشور را رونق ببخشد و حرکت آن به سمت پیشرفت را سرعت دهد.

**نان دیپلماسی در روغن پررونق**

اواخر شهریور ۱۴۰۱ که خیابان‌های ایران ناآرام شد، آمریکایی‌ها- که در آستانه برقراری یک توافق با ایران بودند- با این خیال که با دامن زدن به آتش ناآرامی‌ها و آشوب‌ها و حمایت از براندازها می‌توانند دست ایران را در مذاکرات خالی کنند و با فشاری که وارد می‌کنند، بتوانند کاری کنند که ایران در میز مذاکره کوتاه بیاید. اما ایران برای دور زدن این فشار آمریکایی‌ها و موفقیت در جنگ ترکیبی، به‌سمت اجرای سیاست‌های اصلی خود یعنی گسترش روابط با همسایگان و شرق حرکت کرد تا هم به آمریکایی‌ها نشان دهد همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد توافق با غرب نگذاشته و هم برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، گزینه‌های دیگری روی میز دارد. ۲۰ مهر همان سال رئیسی برای شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو کنفرانس تعامل

## گفت‌وگو



**زها طیبی**

خبرنگار گروه سیاست

گسترش روابط با کشورهای همسایه سیاستی بود که دولت سیزدهم از ابتدا اولویت سیاست خارجی خود را بر این اساس تنظیم کرد. بعد از توافق ایران و عربستان و عضویت ایران در سازمان شانگهای با نظر می‌رسد که ایران در معادلات جدید جهانی، درحال دستیابی به جایگاه مهمی در منطقه است. از طرفی زرمزه‌های توافق ایران و آمریکا هم نشان می‌دهد آمریکا برای حل چالش‌ها با ایران راهی جز مذاکره ندارند. برای بررسی سیاست خارجی ایران در منطقه و نوع رفتار سیاسی کشورهای منطقه با ایران با ابوالفضل ظهروهوند کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

**تغییرریل دیپلماسی**

ظهروهوند با اشاره به این نکته که ایران با توجه به سیاست دولت سیزدهم برای گسترش روابط درحال گفت‌وگو با آمریکا هم است، توضیح داد: «رویکردی که ما در روابط باشرق و عمدتاً آسیا و کشورهای درحال توسعه مثل آمریکا لاتین در دستور کار داریم با گفت‌وگوهایی که الان به‌طور غیرمستقیم با آمریکا جریان دارد، دو چیز کاملاً متفاوت است. دولت سیزدهم روابط با جهان را مثل دولت قبل محدود به اروپا و آمریکا نمی‌داند. بحث گفت‌وگو با آمریکا که الان جریان دارد، به مساله مطالبات زمین‌مانده ایران، برمی‌گردد. یعنی از یک‌طرف ما در معاهده‌ای به‌نام‌برجام‌واردشدیم که منافع جدافلی مابه‌خوبی در آن رعایت نشده است و ظرفیت‌های ملی‌مان به‌رصورت آسیب دیده‌بود. یک‌سری محدودیت‌ها را هم پذیرفته‌ایم ضمن اینکه چالش‌هایی هم میان روابط ما و آمریکا مطرح است. مثل پول‌های بلوکه‌شده ما که نشان می‌دهد آمریکا با سوءاستفاده از موقعیت خودش قوانین داخلی‌اش را به‌قوانین دیگر کشورها و محیط‌بین‌المللی تسری داده که این کاملاً با حقوق بین‌الملل ناسازگار است. مثلاً پول ما در کره جنوبی بلوکه شده به‌خاطر فشاری که آمریکا به کره جنوبی آورده است، چون آنها روابط‌شان گروگان آمریکاست.

در زاین با عراق هم همین است.»

# سیاست

درباره منطق سیاست خارجه ایران در دوران جدید

# حرکت بر مدار نظم نوین جهانی



و اقدامات اعتمادساز در آسیا (سیکا) به قزاقستان رفت. شرکت در این اجلاس از این جهت اهمیت داشت که کشورهای عضو آن ۹۰ درصد مساحت قاره آسیا را در بر می‌گیرند و حضور در جمع رهبران کشورهای آسیایی می‌تواند اقدامی موثر برای گسترش روابط با کشورهای آسیایی باشد. ۲۴ بهمن ماه رئیس‌جمهور به چین رفت. در این سفر سه روزه، ۲۰ سند همکاری در موضوعات مختلف تجارت، بهداشت اقتصادی ایران با کشورهای جهان بدون اینکه توافقی با دولت‌های غربی صورت گرفته باشد، به‌مرور این باور را که ارتباط ایران با دنیا صرفاً از طریق غرب میسر خواهد شد، کم‌رنگ کرده و بالطبع از جذابیت‌های توافق هسته‌ای نیز خواهد کاست. این مسیر باعث می‌شود طرف‌های غربی که جایگاه خود را در مناسب ایران از دست رفته دیده برای بازیابی این موقعیت مجدداً پای میز مذاکره بازگردد و تلاش‌ها برای احیای توافق را با جدیت بیشتری به کار گیرند؛ جدیتی که قطعاً میزان مطالبات زیاده‌خواهانه را نیز کمتر و مسیر مذاکرات را به‌سمت عقلانیت و واقعیت جهت‌دهی می‌کند. مسیری که حرکت در آن به معاهدات همچون برجام قابلیت نقد شدن می‌بخشد و کارکرد آن را از یک معاهده حقوقی بدون تضمین اجرایی فراتر می‌برد.

**توسعه زیرساخت حمل‌ونقل مگملی برای توسعه دیپلماسی**

طی تاریخ ایران به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خود یکی از مسیرهای مهم حمل‌ونقل بوده و همین امر زمینه توسعه روابط با جهان را فراهم آورده بود. طی چندسال اخیر - که تهران توسعه روابط با کشورهای منطقه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای خود در عرصه سیاست خارجی ارزیابی کرده است- هم‌زمان نوع مهم را که توسعه ظرفیت‌های کریدوری توسعه روابط خارجی را سرعت می‌بخشد، مورد توجه قرار داده است. در همین راستا در چندماه اخیر قراردادهایی در زمینه

وی ادامه داد: «در بحث و صحبت‌های صورت گرفته، موضوع برقراری رابطه نیست، بلکه مطالبات بر زمین مانده چالشی که وجود دارد و می‌تواند بدون درگیری تخفیف پیدا کند مطرح است. به‌رحال ما هم زردانی داریم آن طرف هم زردانی دارد. یک پول‌هایی هم ما داریم که خلاف مقررات بین‌المللی بلوکه شده که نیاز به گفت‌وگو دارد. جنس این نوع تعامل با آنچه ما در روابط با کشورهای همسایه داریم، اصلاً قابل مقایسه نیست. ما برای تخفیف یا مهار چالش می‌توانیم مذاکره کنیم بدون اینکه بخواهیم ظرفیتی از دست بدهیم یا ورودی به‌یک چالش سخت داشته باشیم. بالاخره این یک بازی برد-برد است.»

**عقلانیت سیاسی مقامات ریاض در مواجهه با آمریکایی‌ها**

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پاسخ به این سوال که چرا عربستان به‌یکباره خلاف مسیر آمریکا، هم در توافق با ایران و هم در کاهش قیمت نفت و دیگر موارد از این دست حرکت کرد، پاسخ داد: «این برمی‌گردد به عقلانیت سیاسی مقامات ریاض. واقعیت این است که تا قبل از این تحولات امنیت عربستان به‌صورت برون‌زا توسط آمریکا تعریف می‌شد ولی زوندها دارد این عقلانیت را به ریاض می‌دهد طرفی که او به‌آن تکیه داشت، تکیه‌گاه مطمئنی نیست. افول به حرکت نرم آمریکا در جهان و خصوصاً منطقه و ناتوانی‌اش در تأمین انتظارات امنیتی عربستان، یک‌نکته است. از طرف دیگر مهم‌تر از هر ملاحظه‌ای در هر حکومتی بقای آن حکومت است. عربستان با توجه به بقا و موقعیت خودش به این جمع‌بندی رسیده که این ظرفیت مورد انتظار در حوزه امنیت را می‌تواند در تعامل با ایران، کشورهای منطقه، چین و قدرت‌های نوظهور تأمین کند.»

وی در ادامه توضیح داد: «پس این جابه‌جایی‌ای در محاسبات خودش است و گزینه ماهیت عربستان همان است و سیستم و ساختار و رویکردها که ما کان غربی است، اما دیگر نقطه استار امنیتی‌اش نمی‌تواند آمریکا باشد. این بیانگر تحول در ساختار عربستان نیست، بلکه نشان دهنده افول در ساختار و سیستم سیاسی ایالات‌متحده و غرب است. همین وضعیت هم در سطح اروپا در حال اتفاق افتادن است. اروپایی‌ها الان و خصوصاً با قطعی شدن شکست اوکراین به این جمع‌بندی رسیدند که نمی‌توانند، پیش از این به آمریکا و ناتو اتکا داشته باشند، پس

# ۲

توسعه ریلی منعقد شده است که می‌تواند تکمیل پروژه‌های کریدوری شمال به جنوب و شرق به غرب را منتج شود، به‌طورمثال احداث راه‌آهن رشت – آستارا منجر به تکمیل آخرین قطعه کریدور شمال به جنوب می‌شود؛ کریدوری که روسیه را از طریق ایران به آب‌های گرم متصل کرده و به همین دلیل مسکو در راستای تکمیل هرچه سریع‌تر این قطعه وارد عمل شده و پای قرارداد همکاری با ایران را امضا کرده است. احداث راه‌آهن میانه‌تبریز اقدام دیگری است که با کوتاه کردن بیش از ۱۰۰ کیلومتر از مسیر ریلی تهران- تبریز منجر به افزایش سرعت حمل‌ونقل در کریدور شرق به غرب می‌شود. اتصال راه‌آهن خرمشهر به شلمچه و ادامه آن تا شهر بصره، پروژه دیگری است که به‌طور جدی تری در دستور کار قرار گرفته و احداث آن باعث می‌شود ایران از مسیر ریلی عراق به مدیترانه متصل شود و تحولی بزرگ در زمینه حمل‌ونقل ریلی رقم بخورد.

**اپوزیسیون: بازنده بزرگ تقابل ایران و غرب**

مطابق آنچه بارها در «فرهیختگان» به‌آن اشاره کرده‌ایم هدف غربی‌ها از آشوب‌پراکنی در خیابان‌های ایران صرفاً امتیازگیری در میز مذاکرات بوده و به همین دلیل نیز بعد از فروکش کردن غائله مجدداً وارد مسیر دیپلماسی با ایران شده‌اند. این گزاره را محسن میلانی، مدیر مرکز تحقیقات استراتژیک و دیپلماسی دانشگاه فلوریادای جنوبی نیز در مصاحبه‌ای تلوزیونی با بی‌بی‌سی فارسی معترف شده و می‌گوید: «با آمریکایی‌هایی که صحبت کردم هیچ کدام‌شان فکر نمی‌کردند که این اتفاقات جمهوری اسلامی را سرنگون کند، بلکه فکر می‌کردند این اتفاقات آتقدر جمهوری اسلامی را ضعیف خواهد کرد تا غربی‌ها بتوانند پوتن‌های خیلی مهمی را بگیرند.» نمونه‌هایی جدید از عقب‌نشینی غربی‌ها را می‌توان در رفتار امانوئل مکرون مشاهده کرد که بعد از برخورد با دیوار واقعیت، به جای میزبانی از چهره‌های اپوزیسیون مسیر خود را عوض کرده و وارد کانال دیپلماسی با ایران شده است تا جایی که پیش از یک ساعت با رئیس‌جمهور ایران تلفنی وارد گفت‌وگو می‌شود. آمریکایی‌ها نیز که تا چند وقت پیش مدعی بودند تمرکزشان را بر اتفاقات ایران گذاشته و مذاکره با ایران را در دستور کار ندارند، اکنون بارها به‌طور غیرمستقیم با ایران وارد مذاکره شده و هر روز نیز درمورد حصول توافق خبری جدید در رسانه‌ها منتشر می‌کنند. این تصویر از شکست سناریوی آشوب به‌قدری واضح است که اپوزیسیون نیز به آن معترف شده‌اند. محسن میلانی در مصاحبه تلوزیونی خود با بی‌بی‌سی فارسی به‌عنوان یکی از رسانه‌های فعال در آشوب‌های ۱۴۰۱، موفقیت ایران در عرصه دیپلماسی را این‌گونه معترف می‌شود: «جمهوری اسلامی هم از لحاظ داخلی و هم از لحاظ خارجی بهتر شده و تن صدای آمریکایی‌ها در مذاکرات عوض شده است.» آنچه میلانی در مورد شکست پروژه آشوب می‌گوید را پیش از این مسیح علی‌نژاد این‌گونه اعتراف کرده بود: «کاخ سفید و دفتر مکرون و رهبران کشوران غربی از من می‌پرسند، الان انقلاب شما تمام شده و کسی در خیابان نیست، پس چرا نباید به میز مذاکره برگردیم؟»
اعترافات اپوزیسیون از این جهت قابل توجه است که به خاطر بی‌اوریم آنها از ابتدای آشوب‌ها قطع روابط دیپلماتیک کشورهای جهان با ایران را مهم‌ترین هدف خود قرار داده بودند اما اکنون صحنه کاملاً معکوس چیده شده و درحالی‌که اپوزیسیون روزه‌به‌روز از هم گسیخته‌تر شده و حامیان مالی خود را از دست‌رفته می‌بینند، جمهوری روشن اسلامی ایران توانسته با اتخاذ راهبردهای دقیق در عرصه دیپلماسی نقش خود را در عرصه جهانی پررنگ‌تر از گذشته کند.

به‌نوعی هم واقع‌بینی در نظام بین‌الملل حتی در بین متحدان آمریکا با یک رشد فراینده‌ای جلوی می‌رود. بنابراین آمریکا دیگر نمی‌تواند با زبان گذشته با جهان برخورد کند، اگر به‌یک ظرفیت جدیدی برسد- چون ماهیت اصلی‌اش که تغییر نکرده- یا همان ادبیات گذشته می‌تواند با همه برخورد کند، اما فعلاً آمریکا هم در منطقه معترفی و گفتمانی، از جمله همین سیاست غلط تحریمی که تا الان دنبال کردند. این سیاستی که در محیط‌بین‌الملل به‌عنوان تحریم اقتصادی دنبال کردند، اصلاً خود معادلات اقتصادی در جهان را به‌هم ریخته و اتکای به دلار را از میان برده است. وقتی دلار بشکند، آمریکا شکسته است. مهم‌تر از توان نظامی آمریکا، سلطه و ضریب نفوذ دلار در اقتصاد بین‌الملل بود که الان کاهش پیدا کرده و دارند نتیجه سیاست‌های غلط چنددهه‌ای را می‌بینند. این ابهتی که برای خودشان ساخته بودند در بین ملت‌های مختلف شکسته شده است. ۴۴ سال مقاومت ایران در شکستن این ابهت بسیار الهام‌بخش بوده است. اینها را که نگاه می‌کنیم، معادلات جهانی به‌ضرر یکجانبه‌گرایی به‌نفع چندجانبه‌گرایی در حال حرکت است.»

**تعامل کشورهای غربی با ایران در یک هزینه- فایده سیاسی اتفاق افتاده است**

ظهروهوند با اشاره به این نکته که چرخش کشورهای عربی به‌سمت ایران به‌خاطر این است که چالش چنددهه‌ای با ایران نتیجه‌ای برایشان نداشته است، تأکید کرد: «تعامل کشورهای عربی با ایران در یک هزینه‌فایده سیاسی اتفاق افتاده است. بنابراین اگر می‌توانستند در مسیر گذشته به نتایجی برسند حتماً این کار را می‌کردند اما آنها هم تصمیم گرفتند چالش‌شان را با ایران تخفیف دهند، همان‌طور که ما در مذاکره با آمریکا هم این تصمیم را گرفتیم. آمریکایی‌ها هم البته به این نتیجه رسیدند که بهتر است این چالش را با مذاکره حل‌کنند نه جنگ. الان عربستان و مصر و کشورهای این‌گونه هم از این زاویه که نمی‌توانند پیش از این به پشتیبانی امنیتی آمریکا دلگرم باشند و هم‌اینکه مسیر چالش چنددهه‌ای با ایران آورده‌ای برای آنها که به‌همراه نداشته است، عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که مسیر چالش را تغییر دهند و به‌سمت تعامل بروند. در وضعیت جدید این بهترین تصمیم است؛ یعنی جابه‌جایی نقطه اتکای امنیتی‌شان از آمریکا به‌سمت دیگر نقاط، از جمله تعامل فعال با کشورهای منطقه مثل ایران و چین و نکته دیگر اینکه می‌توانند به‌جای اینکه چالش‌ها را در درگیری‌های نیابتی دنبال کنند به‌سمت تعامل بروند.»

**حرکت معادلات جهانی به سمت چندجانبه‌گرایی**

وی با اشاره به این نکته که از آنجایی که کشورهای مقابل آمریکا قوی شده‌اند، پس آمریکاد دیگر نمی‌تواند مثل گذشته رفتار کند، تصریح کرد: «امروز قدرت باززاندگی کشورهای مقابل آمریکا از جمله خود ایران افزایش پیدا کرده است. از طرفی هم محیط داخلی آمریکا مثل گذشته نیست و آن انسجام لازم را ندارد.